

طرح هدفمندسازی یارانه‌ها و افزایش نرخ ارز در ایران

بیژن بیدآباد^۱

مقدمه

در رقابت‌های انتخاباتی آوردن پول نفت بر سر سفره‌های مردم به شعاری مورد قبول عامه تبدیل شد و دولت برای تحقق این وعده اصلاح قیمت حامل‌های انرژی و پرداخت‌های نقدی یارانه‌ها به مردم را در دستور کار خود قرار داد. حذف یارانه از لحاظ اصول کارایی اقتصادی بسیار خوب است یعنی حذف یارانه‌ها زمینه اقتصادی مناسبی برای افزایش کارایی اقتصاد می‌شود ولی نمی‌بایست با پرداخت یارانه‌های نقدی جبران می‌شود. حسن حذف یارانه‌ها این است که قیمت‌های نسبی را اصلاح می‌کند و موجب کاهش مصرف بخش انرژی می‌شود.

زمان و نحوه اجرای این طرح یعنی سال ۸۹ نیز مناسب نبود. زمانی که اقتصاد کشور دچار رکود و بحران است افزایش قیمت حامل‌های انرژی عملاً عوارض رکود تورمی یعنی کاهش عرضه محصولات و افزایش سطح عمومی قیمت‌ها را با خود به همراه می‌آورد. زیرا پرداخت نقدی یارانه‌ها به مردم به مفهوم تزریق پول به اقتصاد است که از سوئی موجب افزایش مستمر تقاضا در اقتصاد شد و وقتی افزایش مستمر تقاضا اتفاق بیافتد واضح است که سطح عمومی قیمت‌ها علاوه بر افزایش ناشی از قیمت حامل‌های انرژی بالا می‌رود.

اقتصاددانان زیادی^۲ در زمان تصویب طرح هدفمندسازی یارانه‌ها بارها به مراجع تصمیم گیرنده یادآور شدند که نحوه اجرای طرح هدفمندی با پرداخت نقدی یارانه، در عمل بی‌نتیجه است. چرا که این سیاست منجر به افزایش نرخ برابری ارزهای خارجی شده و در نهایت از لحاظ قیمت‌های نسبی، نسبت به قیمت حامل‌های انرژی اقتصاد را به همان وضعیت قبلی بر می‌گرداند.

رابطه نسبی توازن در قیمت‌های داخلی و خارجی باید با توجه به رابطه ساده توازن قدرت خرید (PPP) برقرار باشد؛ از این رو وقتی قیمت داخلی افزایش یابد باید یا سطح عمومی قیمت‌های خارجی یا نرخ ارز افزایش پیدا کند تا حاصلضرب قیمت خارجی در نرخ ارز، حدوداً برابر قیمت داخلی شود؛ و چون قیمت کالای خارجی در خارج از کشور برونزا است تنها افزایش نرخ ارز است که می‌تواند توازن بین اقتصاد داخلی و خارجی را برقرار کند.

^۱ <http://www.bidabad.ir>

bijan@bidabad.ir

^۱ دکتر بیژن بیدآباد، مشاور بانک ملی ایران

^۲ در جلسه بررسی مدل هدفمند کردن یارانه‌ها چه گذشت؟ سایت الف، ۱۶ فروردین ۱۳۸۹.

<http://www.alef.ir/vdfejdvw6de0agiiw.html?67427>

رابطه توازن قدرت خرید

رابطه تجاری و اقتصادی ملل بر مبنای رابطه منطقی بین قیمت‌های داخلی و خارجی و نرخ برابری ارز بین پول آنها است. تفاوت قیمت‌ها در اصل مزیت نسبی تجارت بین کشورها را موجب می‌شود که در این رابطه واحد پول دو کشور نقش اساسی ایفا می‌نماید. بر اساس این نظریه به شرط وجود پول واحد بین کشورها آنگاه شاخص قیمت در کشورهای مختلف تقریباً با هم برابر می‌شوند و تفاوت قیمت‌ها منبث از شرایط خاص هزینه‌های تولید و مصرف کالا نظیر حمل و نقل، تعرفه، مالیات و غیره خواهد شد. این موضوع مبنای نظریه توازن قدرت خرید (PPP) (Purchasing Power Parity) در تبیین رابطه منطقی بین شاخص قیمت‌های داخلی و خارجی است که در اوائل قرن هفده میلادی مطرح گردید. توازن قدرت خرید (PPP) در سال ۱۹۱۸ توسط کارل گستاو کاسل (Karl Gustav Cassel) توسعه یافت و ریشه آن به «قانون قیمت واحد» (Law of One Price) بر می‌گردد. اعم اقتصاددانان رابطه توازن قدرت خرید را در بلندمدت صحیح می‌دانند. در کوتاه مدت به دلیل عدم انعطاف قیمت‌ها این رابطه کمی ضعیف می‌شود.

رابطه توازن قدرت خرید رابطه نرخ ارز را با سطح عمومی قیمت‌های داخلی و خارجی تبیین می‌کند. در صورت یکسان بودن پول ملی و خارجی بر اساس نظریه توازن قدرت خرید شاخص قیمت‌ها در داخل و خارج می‌بایست برابر باشند. با این رابطه می‌توان تبعات ناشی از شوک قیمت‌های داخلی را بر روی نرخ ارز پیش‌بینی نمود.

روش‌های مختلفی در مطالعات تجربی نظریه توازن قدرت خرید در سالهای گذشته را برای بسیاری از کشورها استفاده شده است. در این بین می‌توان به بررسی‌های فرنکل (Frenkel) در سالهای ۱۹۷۸ و ۱۹۸۱ اشاره کرد.

آزمون رابطه توازن قدرت خرید در ایران

بیدآباد و الهیاری فرد^۳ (۱۳۹۱) رابطه توازن قدرت خرید را برای ایران بررسی و آزمون نمودند. سه روش بکار برده شده در آن مطالعه رابطه قوی بین شاخص قیمت‌های داخل و حاصلضرب شاخص قیمت‌های خارج در نرخ ارز را اثبات و برقراری نظریه توازن قدرت خرید در ایران را تأیید می‌کنند و مشخصاً صحت این نظریه در بلندمدت کاملاً تأیید می‌شود. این رابطه بیان‌کننده این واقعیت است که در صورتی که سطح عمومی قیمت‌ها در داخل افزایش یابد در آن صورت به منظور حفظ تعادل و توازن قدرت خرید داخل و خارج کشور یا می‌بایست نرخ برابری پول داخلی نسبت به پول خارجی یا سطح عمومی قیمت‌ها در خارج از کشور افزایش یابد. از این رو آزادسازی قیمت‌ها به مفهوم افزایش قیمت‌ها ناشی از طرح‌هایی نظیر هدفمندسازی یارانه‌ها بی‌شک منجر به افزایش نرخ ارز و شاخص قیمت‌ها خواهد شد. این سیکل مادامی که تغییرات قیمت‌ها متاثر از بهره‌وری و کارایی اقتصاد نشود همچنان موجب عدم تعادل در بازار ارز و کالا و خدمات خواهد بود. این موضوع اهمیت توجه به تبعات ناشی از سیاستگذاری قیمتی و بالا بردن سطح عمومی قیمت‌ها در اثر اجرای سیاست‌هایی نظیر طرح هدفمندسازی یارانه‌ها را بر نرخ ارز مبرهن می‌سازد.

لذا باید گفت دخالت دولت در بازار و اعمال سیاست‌گذاری قیمتی توسط دولت یا اعمال تغییر در سطح قیمت‌ها

^۳ بیژن بیدآباد و محمود الهیاری فرد، آزمون نظریه توازن قدرت خرید (PPP) در ایران، ۱۳۹۱.

هرچند راهکاری کوتاه‌مدت به منظور بهینه‌سازی مصرف شناخته می‌شود ولی عدم توجه به تاثیرگذاری این سیاست بر سایر متغیرهای اقتصاد از جمله نرخ ارز و ریسک‌های ناشی از نوسانات نرخ ارز بر شاخص قیمت‌ها در میان مدت و بلندمدت موجب ایجاد عدم تعادل در بازارهای کالا و خدمات، پول، سرمایه و کار خواهد شد.

افزایش ساختاری بلندمدت نرخ ارز ناشی از طرح هدفمندی یارانه‌ها

طرح هدفمندی یارانه‌ها قیمت حامل‌های انرژی را بالا برد که از سویی منجر به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها گردید. نرخ ارز وظیفه دارد از لحاظ مکانیزم‌های اقتصادی برای ایجاد توازن بین قیمت‌های داخلی و خارجی قدرت خرید داخلی و خارجی را برای مصرف کنندگان یکسان سازد. این مکانیزم در علم اقتصاد با نظریه توازن قدرت خرید قابل تحلیل است، و عملاً به گونه‌ای عمل می‌کند که به طور خودکار نرخ ارز همچنان تغییر می‌یابد که سطح عمومی قیمت‌های داخلی مساوی سطح عمومی قیمت‌های وارداتی ضرب در نرخ ارز شود. چون سطح عمومی قیمت‌های داخلی در اثر اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها افزایش یافت الزاماً باید نرخ ارز نیز به دنبال آن افزایش می‌یافت.

متأسفانه طراحان و سیاستگذاران اقتصادی با نادیده گرفتن این اصل مهم (توازن قیمت‌های داخلی و خارج) تصور میکردند که می‌توان قیمت‌های داخلی را افزایش داد بدون اینکه نرخ ارز افزایش یابد؛ اما اشتباه در این امر موجب شد تا از ابتدای سال ۹۰ شاهد افزایش مستمر نرخ ارز باشیم که این روند افزایشی یک روند ساختاری و ناشی از مکانیزم‌های درونی اقتصاد و ناشی از برهم خوردن توازن قیمت‌های داخلی و خارجی است. از لحاظ ساختاری این اتفاق بود که باعث روند افزایش نرخ ارز در کشور گردید.

وقتی یک متغیر برای مدتی روند افزایشی داشته باشد انتظارات فعالان اقتصادی از آینده آن متغیر بر این است که همچنان افزایش خواهد یافت. در این حالات است که انتظارات افزایش نرخ ارز در اثر افزایش مستمر نرخ ارز شکل گرفت و بازار به سمت معاملات احتکاری و نوسانات کوتاه مدت حول و حوش روند افزایشی نرخ ساختاری ارز شکل گرفت.

نوسانات کوتاه مدت نرخ ارز ناشی از عوامل سیاسی و انتظارات

لازمه حفظ ارزش پول و موازنه پرداختها مدیریت نسبت گردش پول خارجی به پول داخلی در اقتصاد است. اگر عرضه پول خارجی در اقتصاد نسبت به پول داخلی رو به نقصان گذارد ارزش پول ملی به تبع قانون عرضه و تقاضا رو به کاهش خواهد گذاشت. نرخ ارز با اجرای سیاست هدفمندی یارانه‌ها با افزایش قیمت حامل‌های انرژی براساس نظریه توازن قدرت خرید باید افزایش می‌یافت تا مجدداً تعادل بین سطح عمومی قیمت‌های داخلی و خارجی و یا به عبارت دیگری نسبت گردش پول خارجی به پول داخلی در اقتصاد برقرار گردد. در این شرایط بانک مرکزی باید با اتخاذ سیاست‌های انقباضی پولی مناسب مجدداً نسبت پول خارجی به داخلی را به سمت تعادل قبلی بکشانند. همینطور اگر پرداخت‌های یارانه‌ای سیاست هدفمندی یارانه‌ها از محل منابع بانک مرکزی تأمین شود منجر به افزایش خالص بدهی دولت به بانک مرکزی شده و از طریق بسط پایه پولی نقدینگی را افزایش داده و با برهم زدن نسبت پول داخلی به

خارجی در اقتصاد کاهش ارزش پول داخلی را به دنبال خواهد داشت.^۴

اثر تحریم‌های بین‌المللی از دو سمت تحریم واردات و تحریم صادرات دو دسته اثر متمایز بر جای خواهد گذاشت. تحریم واردات از یک سو موجب افزایش هزینه‌های معاملاتی واردات و افزایش تقاضای ارز شده و از سوی دیگر در صورت عدم تحقق واردات ناشی از تحریم، تقاضای ارز برای واردات را کاهش می‌دهد. خالص این دو اثر، اثر تحریم‌های بین‌المللی بر واردات خواهد بود. تحریم صادرات ایران نیز موجب می‌شود تا کالا و نفت ایران به قیمت نازلتر در بازارهای بین‌المللی به فروش رود و در صورت عدم امکان صدور بخشی از نفت و کالا در مجموع موجب کاهش درآمد ارزی کشور خواهد است. مجموعاً آثار تحریم به میزان کاهش خالص درآمد ارزی کشور و نتیجتاً کاهش عرضه ارز و تغییر نسبت پول خارجی به داخلی در گردش در اقتصاد موجب افزایش نرخ ارز می‌شود.

به این موضوع باید اشاره کرد که تحریم صادرات نفت ایران اثر بر افزایش نرخ ساختاری ارز در اثر کاهش درآمدهای ارزی کشور دارد و میزان آن قابل توجه است و نه نوسانات نرخ ارز. انتظارات فعالان بازار ارز از این تحریم منجر به فعالیت‌های احتکاری در ارز شده و نتیجتاً نوسانات نرخ ارز را پدید می‌آورد.

وقایع سیاسی اخیر نظیر تبلیغات و مشاجرات سیاسی بین‌المللی، تحریم‌ها، تعطیلی سفارتخانه‌ها و به طور کلی وقایعی که انتظارات افراد را در بازار تغییر می‌دهد منجر به ایجاد نوسانات کوتاه مدت در بازار ارز می‌شود. نوسانات حول و حوش افزایش نرخ ساختاری ارز در اثر مسائل بین‌المللی و رفتار سودجویانه وابستگان حکومتی و دلالت وجود دارد ولی این نوسانات کوتاه مدت بوده و پس از مدتی آثار معکوس را بر نرخ ارز خواهد داشت، ولی نرخ ساختاری ارز که از ساختار عرضه و تقاضای کلیه کالاها و خدمات داخلی و خارجی و پول‌های داخلی و خارجی شکل می‌گیرد در اثر اجرای سیاست‌هایی نظیر طرح هدفمندی یارانه‌ها افزایش یافت.

راه حل

برای تثبیت نرخ ساختاری ارز و جلوگیری از افزایش مداوم آن و نه کاهش نرخ ارز در ابتدا باید:

۱. طرح پرداخت نقدی یارانه‌ها متوقف گردد و به طور کلی هیچ گونه پرداختی صورت نگیرد.
۲. بانک مرکزی باید نرخ ارز مرجع را که اکنون به واردات برخی کالاها اختصاص داده شده حذف و نرخ ارز بازار آزاد را جایگزین آن بنماید.

برای تثبیت نوسانات و همچنین کاهش نرخ ارز باید بازار اطمینان یابد که در آینده نرخ ارز پائین می‌آید یا لااقل ثابت می‌ماند. در این حالت ارز خریداری و کنز شده توسط افراد مجدداً به بازار عرضه خواهد شد و قیمت روبه کاهش خواهد گذاشت. سایر سیاست‌هایی که دولت و مقامات پولی باید بکار بندند از قرار ذیل است:

^۴ بیژن بیدآباد، بانکداری مرکزی و سیاستگذاری پولی در ایران، ۱۳۹۱.

۱. دولت باید در سیاست خارجی خود تجدید نظر کند و سیاست تفاهم بین‌المللی را به جای تقابل بین‌المللی برگزیند.
۲. بانک مرکزی باید اقدام به فروش بخشی از ذخائر ارزی و طلای خود نموده و در عوض ریال حاصل از فروش را از دور خارج کند.
۳. دولت باید مکلف گردد تا به هیچ وجه از استقراض از منابع بانک مرکزی استفاده ننماید برای تأمین مالی دولت می‌توان از اوراق مبادله راستین استفاده نمود. این اوراق در لایحه و آئین‌نامه اجرائی بانکداری راستین طراحی و تعریف شده‌اند.
۴. بخش بزرگی از منابع در اقتصاد ما سیال و سرگردانند و هر زمان که نرخ بازدهی بخش‌های مختلف اقتصاد نظیر بازار طلا و ارز افزایش یابد دلالت آن و سفته‌بازان نقدینگی را به سرعت به سوی آن حرکت می‌دهند و بازار را متلاطم می‌کنند. اصلاح نظام پولی و بانکی کشور براساس لایحه قانونی بانکداری راستین و آیین‌نامه اجرای آن راه گشای کنترل منابع مالی سیال است. بانکداری راستین در عملیات مشارکت در سود زیان، منابع سرمایه‌داری را درگیر پروژه‌های فیزیکی می‌نماید و می‌تواند زمینه را برای مدیریت منابع مالی سیال و سرگردان جامعه فراهم آورد. طرح بانکداری راستین که به کارگروه طرح تحول بانکی تقدیم شده است عملاً مکانیزم‌هایی را تعریف می‌کند که توسط آن می‌توان ضمن اصلاح ساختار نظام مالی کشور شرایط کار و مناسبی را برای تأمین مالی ارزی و ورود سرمایه‌های خارجی از طریق شبکه اینترنت فراهم آورد. همچنین بانکداری راستین روش‌ها و سیستم‌های تأمین مالی جدیدی را به صورت اوراق مبادله راستین ارزی تعریف می‌نماید که در این راستا شرایط جدید ورود ارز به کشور و همچنین استقراض بدون ربا به صورت ارزی برای همه فعالان اقتصادی اعم از دولتی و خصوصی نیز فراهم می‌آید.

منابع

- در جلسه بررسی مدل هدفمند کردن یارانه‌ها چه گذشت؟ سایت الف، ۱۶ فروردین ۱۳۸۹
<http://www.alef.ir/vdcfejdv.w6de0agiiw.html?67427>
 - بیژن بیدآباد و محمود الهیاری فرد، آزمون نظریه توازن قدرت خرید (PPP) در ایران، ۱۳۹۱.
<http://www.bidabad.ir/doc/ppp-paper-fa.pdf>
 - بیژن بیدآباد، بانکداری مرکزی و سیاستگذاری پولی در ایران، ۱۳۹۱.
<http://www.bidabad.ir/doc/siasat-pooli.pdf>
- توضیح: مقالات در سایت <http://www.bidabad.ir> موجود است ولی متأسفانه این سایت از اول مهرماه ۱۳۹۱ فیلتر شده است.